

## به نام خدا

### دانشگاه اسلامی از منظر حضرت امام جعفر صادق (ع)

محمد رجبی سبدانی، هیئت علمی تمام وقت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد هرنند، اصفهان

[rajabi@harandiau.ac.ir](mailto:rajabi@harandiau.ac.ir)

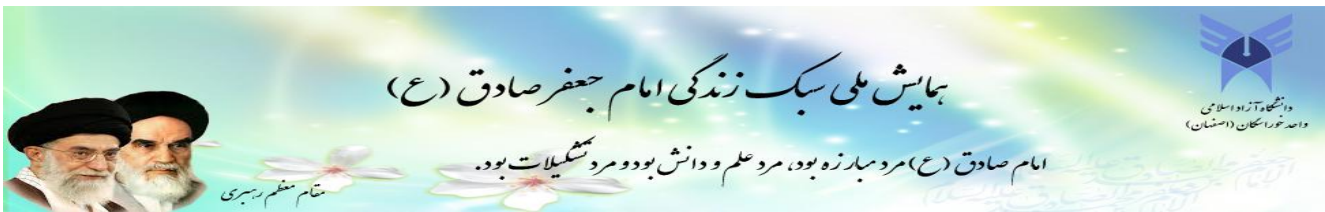
چکیده:

امام صادق (ع) خود یک چهره دانشگاهی و مؤسس بزرگترین دانشگاه زمان خود بوده اند بنابراین ارائه سبک زندگی آن امام معصوم (ع)، نقش مؤثری بر سبک زندگی دانشگاهیان می تواند داشته باشد. نحوه تحصیل، نحوه تدریس، شاگرد پروری، نقش تربیتی استاد و ... زمینه های مناسبی هستند که می توان از امام صادق (ع) الگوبرداری و به دانشگاهیان امروز ارائه کرد. جهان در انتظار شناخت امام صادق (ع) و اهل بیت (ع) است و باید آن حضرت را به جهان معرفی کنیم تا جهان بداند که اگر علمی در جهان بوده است از برکت نورافشانی امام صادق (ع) در جهان است.

مقدمه :

امام صادق (ع) بعد از شهادت پدر بزرگوارش امام محمد باقر (ع) در طول ۳۴ سال امامتش با پنج طاغوت اموی و دو طاغوت عباسی روبرو بود. در این ایام بر اثر جنگ و ستیزهای بنی عباس برای براندازی حکومت بنی امیه و درگیری شدیدی که آن ها با یکدیگر داشتند، فضای بازی برای آن حضرت فراهم شد. آن امام همام در این فرصت توانست وسیع ترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود چهار هزار نفر شاگرد از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. برجستگان و فرزانهانی همچون: «زراره بن اعین»، «هشام بن حکم»، «جابر بن حیان»، «ابان بن تغلب»، «مفضل بن عمر»، «مؤمن الطالق»، «هشام بن سالم»، «معلی بن خنیس» و... از این دانشگاه فارغ التحصیل شدند که هر کدام استاد برجسته و پایه گذار علوم و صاحب کرسی تدریس در فنون گوناگون علوم شدند و کتاب های مختلفی برای آگاهی بخشی به نسل های آینده تألیف نمودند و منشأ آثار و برکات و تحولات عظیمی در تاریخ اسلام و تشیع شدند.

حضور در دانشگاه جعفری مخصوص شیعیان نبود، بلکه افراد زیادی همچون «ابوحنیفه» رئیس مذهب حنفی، «مالک ابن انس» رئیس مذهب مالکی، سفیان بن ثوری، یحیی بن سعید و... از شاگردان این دانشگاه بودند.



آن حضرت شاگردان خود را براساس ذوق و استعداد تعلیم می نمود و در همان رشته تشویق و تعلیم می داد و این گونه بود که مکتب تشیع در اثر تلاش های فرهنگی امام صادق (ع) به صورت چشم گیری گسترش یافت و به اکثر قلمروهای اسلامی رسید و بسیاری از مسلمانان در آن دوران طلایی به مکتب اهل بیت (ع) گرویدند. شاگردی در مکتب امام صادق (ع) همواره از افتخارات و آرزوهای علمای شیعی بوده است، حضرت در دوران حیات پر برکت خویش به تأسیس بزرگترین دانشگاه اسلامی پرداخت و کرسی های علمی را بر مبنای ترویج علوم نقلی و عقلی اسلامی بنا نهاد.

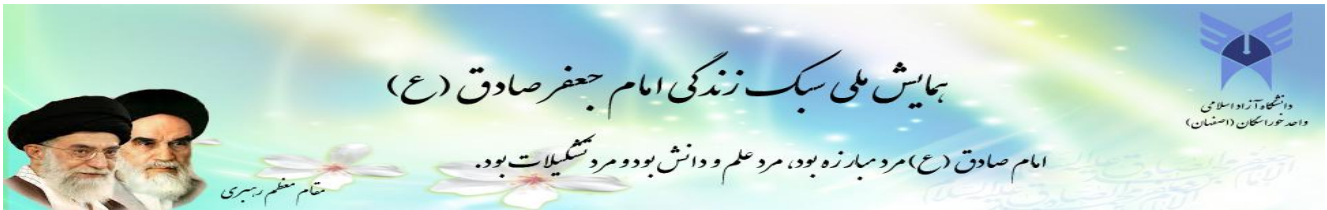
زمان و عصر امام صادق (ع) با روی کار آوردن دانشگاهها و مدارس علمیه و تربیت شاگردان قوی و بحث های علمی در زمینه های الهی، سیاسی و غیره و روشننگری های علمی و منطقی صادق آل محمد (ع) باعث شد که پایه و اساس دین رسول الله مستحکم تر و نیز با ذکر احادیث و روایات صحیح برای اثبات هر چه بیشتر مکتب شیعه و ولایت بلا فصل علی بن ابی طالب بوده باشد؛ امام صادق (ع) تنها فقیه و عالم دینی نبود بلکه پیشوای عالی مقام فقها و راهنمای بزرگ فلاسفه و استاد کل متکلمین و دانشمندان رشته های مختلف علوم و در عین حال در بین زهاد و عباد نمونه عالی و لازم الاقتداء محسوب می گردید، چنانکه مجموعه آثار او به طور کامل دلالت بر این مراتب دارد و می رساند که شخص او یک معجزه الهی بوده است روزگار او در حقیقت جهاد مستمر و دائم در نشر مبادی علمی و اخلاقی خود بود که در آن نهایت کوشش و جدیت را مبذول می داشت.

و قابل به ذکر است که همه ادیان و مذاهب در عصر امام صادق (ع) از وجود با برکت او استفاده برده اند و در واقع عصر امام صادق را می توان عصر بحث و مناظره و مباحثه در علم اسلامی و علوم مختلفه دانست.

رویکرد عقلی امام صادق (ع) از نظر اکثر علماء این است که ایشان در دو جهت معارف عمیق عقلی را بیان می کردند: نخست با جلسات مناظرات و گفتگوهایی که با فرقه های مذهبی تشکیل می دادند و دوم تربیت شاگردان حکیمی که امام (ع) ایشان را جهت دهی و راهنمایی می کردند. در مناظرات شاگردان ایشان نیز بکارگیری روش های عقلی و مبانی فلسفی به وضوح دیده می شود.

امام صادق در زمان خود شاگردانی تربیت کردند که ما باید آنها را الگوی خود در عرصه علم آموزی قرار دهیم آنان مشتاقانه به دانش اندوزی پرداختند و از گنجینه علوم آل محمد (ص) به قدر توانایی خویش بهره مند شدند.

به گفته شیخ مفید (ره) چهار هزار تن از حوزه درسی آن حضرت استفاده کردند. شیخ طوسی شاگردان امام صادق (ع) را ۳۱۹۷ مرد و ۱۲ زن ذکر کرده است. امام ششم (ع) با توجه به شکوفایی دانش و به وجود آمدن مکتب های مختلف و هجوم افکار الحادی برنامه فرهنگی خویش را در محورهای مختلف به انجام رساند. پاسخ به شبهه های گوناگون ضد دینی، تشکیل جلسات مناظره، نشر روایات و تعلیم اسلام، تدریس رشته های گوناگون



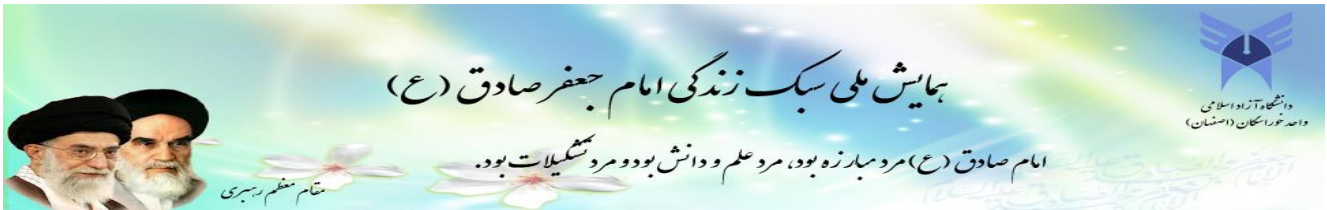
علوم و تربیت شاگردان بخشی از برنامه های ششمین پیشوای شیعه بوده است و ان شاء الله ما هم بتوانیم با کوشش ادامه دهنده مکتب ناب جعفری در عرصه پژوهش و علم اندوزی باشیم و این امر ان شاء الله با همت اساتید و رهنمودهای علمای زمان و رهبری مقام معظم رهبری دست یافتنی است که با ظهور حضرت ولی عصر (عج) به آن مدینه فاضله و دانشگاه زمان امام صادق (ع) می رسیم هر چند که دموکراسی و آزادی بیان در عصر حاضر را می توان تا حدودی بهتر از زمان امام صادق است چون در آن عصر دموکراسی و آزادی بیان با وجود خلفای فاجر بنی عباس رفته رفته به خفقان کشیده شده بود و دانشجویان باید قدر آزادی در گفتار و تحقیقات اسلامی را بدانند .

آنچه که بیشتر شایان توجه و تأمل است اینست که رهبری آن حضرت در علوم اسلامی منحصر نیست بلکه در سایر دانش های متنوعه مانند نجوم و هیئت و ریاضی و طب و تشریح و معرفه النفس و شیمی و نبات شناسی و علوم دیگر از این قبیل نیز شاگردانی تربیت کرد که در این فنون معروف و مشهورند و همان مقالات و احادیث و کتاب هایی که از ایشان در صفحه روزگار باقی مانده و زینت بخش کتب مسلمین است، مانند توحید مفضل و رساله اهللیجه و مباحثات آن حضرت با ملاحده، همه و همه شاهد این گفتار است که مکتب حضرت مانند یک دانشگاهی بود که دانشکده های عمده در علوم مختلفه در آن تأسیس شده باشد و در هر مکتب و دانشکده مباحثه و درس و تحقیق راجع به علم خصوصی تعقیب و دنبال شود.

به طور مثال، یکی از علومی که مسلماً حضرت امام صادق علیه السلام تدریس نموده و عنایت به آن داشته اند علم شیمی بوده که سرانجام از آن دانشگاه بزرگ، مردی نابغه به نام جابر بن حیان فارغ التحصیل شد که اگر از زمان جابرین حیان تا حال دنبال نتایج استفاده های این مرد را از امام ششم و فحوصها و تحقیقات و بحث های علمی او را گرفته بودیم و به علوم دیگر که مورد نیاز جوامع متمدن و پیشرفته است اهمیت داده بودیم، امروز در میدان مدنیت مادی، به غرب و اروپا و آمریکا که هرچه دارند از دولت سر اسلام و اصول عالیه آن و از برکات مساعی علماء مسلمین دارند محتاج نمی شدیم.

معیارهای دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع)

می توان گفت که دانشگاه موفق، دانشگاهی است که جامعه انسانی را به خوبی در مسیر توحید قرار داده و او را به سوی قرب الهی، که فلسفه اصلی خلقت است، هدایت کند.



دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع) باید در سه مؤلفه ظاهر، باطن و خروجی؛ عملکرد خود را نشان دهد. بنابراین، در دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع) باید اولاً، فضای حاکم بر آن دانشگاه اسلامی باشد، ثانیاً، اهداف، آرمان ها و سیاست های کلی آن از اسلام گرفته شده باشد و ثالثاً، عهده دار تحقق اهداف و سیاست ها و آرمان ها باشد و فارغ التحصیلان و تولیدات علمی آن اسلامی یا در خدمت اهداف اسلام باشند.

#### ۱) بعد ظاهری دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع)

در بعد ظاهری دانشگاه، سه مؤلفه نقشی اساسی را ایفا می کنند:

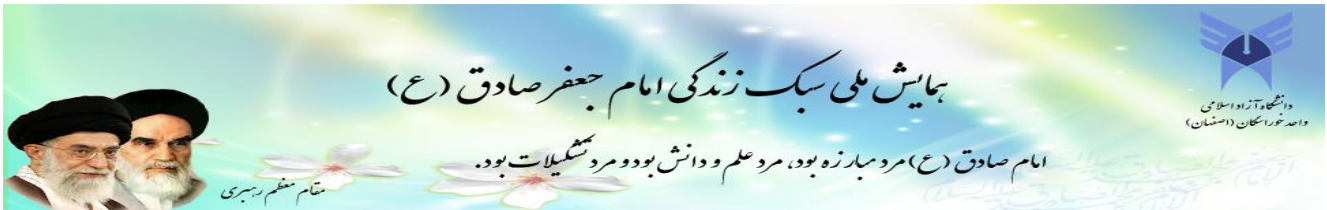
##### الف) تعظیم شعائر الله

در دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع) باید شعائر و ظواهر اسلامی رعایت شود. اگر کسی وارد این دانشگاه شد، با سنن و شعائر اسلامی آشنایی داشته باشد، آن را اسلامی تشخیص دهد و بلکه باید شعائر الهی به حکم آیه «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/۳۲)، با عظمت یاد شوند. صرف وجود نمازخانه در دانشگاه، نصب پارچه نوشته برای تبریک اعیاد و یا تسلیت گویی شهادت کفایت نمی کند. اکتفا به این گونه کارها جزء مصادیق تعظیم شعائر الله نیست، بلکه باید علاوه بر اینکه نماز به جماعت برگزار شود و صدای اذان در دانشگاه طنین انداز شود، در اعیاد و یا شهادت مراسم برگزار شود، نمایشگاه برپا شود و ... ، روح دین داری و دین باوری بر رفتار و منش دانشگاه و دانشگاهی حاکم باشد، همچنین با بیان فضایل امام صادق علیه السلام ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت علیه السلام اظهار نماییم که تعظیم و بزرگداشت شخصیت بی نظیر آن امام بزرگوار، تعظیم شعائر است.

##### ب) روابط اجتماعی

دین اسلام در حوزه اجتماعی به دنبال پی ریزی جامعه ای است که در آن اصول انسانی و ارزش های معنوی حاکم باشد. این ارزش ها و اصول در روابط اجتماعی افراد، از خانواده تا سطوح کلان جامعه، تبلور پیدا کند. در حیات اجتماعی، اخلاق یک رکن است. رفتارهای اجتماعی باید بر اساس اخلاق بنا شوند. حقوق فقط حد و مرزها را مشخص می کند تا به حریم خصوصی کسی تجاوز نشود. بنابراین، جامعه ی آرمانی مد نظر اسلام، جامعه ای اخلاق محور است که جامعه ای حداکثری است. نه فقط قانون محور که به حداقل نگاه می کند. اگرچه گاهی همان دیده نمی شود.

##### ج) حریم روابط زن و مرد



در اسلام، تعامل مردان و زنان، به خودی خود حرام نیست، بلکه اگر هدف از رابطه میان آن دو، هدفی متعالی از قبیل دانش آموزی باشد، جایز و مطلوب است. البته جواز رابطه، به این معنی نیست که حدود و مرزهای میان آنان برداشته شود و حدود شرعی به دست فراموشی سپرده شود.

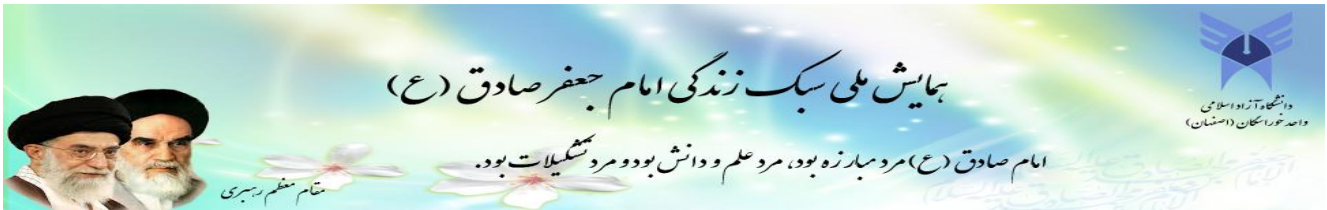
بنابراین هر رابطه ای که در حدود موازین شرعی باشد و در نگاه عرف عقلا و متشرعین نیز پسندیده و مقبول باشد، از دیدگاه اسلام ممنوعیتی ندارد. چنان که در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها شاهدیم که ایشان با سلمان، ابوذر و سایر اصحاب سخن می گفتند. همچنین ایشان پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای دفاع از خلافت امام علی علیه السلام به همراه امام حسن علیه السلام به خانه مهاجران و انصار می رفتند و با آنان به احتجاج می پرداختند. خطبه غرای حضرت فاطمه زهرا در مسجد النبی و احتجاجات ایشان با ابوبکر و عمر و یا خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه و شام چه در جمع عموم مردم یا مجلس یزید و ابن زیاد همه شواهدی بر جواز گفت و گو است. بنابراین ارتباط زن و مرد به شرط رعایت حریم ها و بلامانع است، به تعبیر شهید مطهری «اسلام می گوید: نه حبس نه اختلاط، بلکه حریم»

## ۲) بعد باطنی دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع)

دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق، هنگامی می تواند کارکردی مثبت داشته باشد که در تحقق اهدافش اسلام را برای انسان مسلمان به تصویر می کشد و آن رسیدن به قرب الهی است. نبی اکرم (ص) نقطه نهایی و غایت علم را دستیابی به شناخت و معرفت حقیقی عالم می داند: علمی که قرار است در دانشگاه اسلامی عرضه شود باید در راستای تعالی طلبی حرکت کند و اصالت را به رشد معنوی انسان که حقیقتاً خلأ آن در جهان معاصر مشاهده می شود بدهد. درحالی که، علوم وارداتی سکولار، توسعه طلب هستند و این توسعه طلبی که در چارچوب عقلانیت مدرن صورتی صرفاً دنیوی دارد، با اسلامیت نظام ما و اهداف بلند تمدنی ای که به دنبال آن هستیم، ناسازگار است.

بنابراین حفظ ظواهر برای تحقق دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع)، به تنهایی کافی نیست. چیزی که برای دانشگاه اسلامی از منظر ایشان در درجه اول مهم است، بعد باطنی و محتوایی آن است که حاکمیت بینش و منش اسلامی بر افراد آن حاکم است و نگرش به قضایا یک نگرش الهی است. عنصر محوری دانشگاه، علم است. اگر علم اسلامی شد، دانشگاه هم اسلامی می شود. آیت الله جوادی آملی در نقد این تلقی می فرمایند: اسلامی کردن دانشگاه ها به آن نیست که مظاهر و برنامه های اسلامی و دینی به محیط و فضای دانشگاه ها وارد





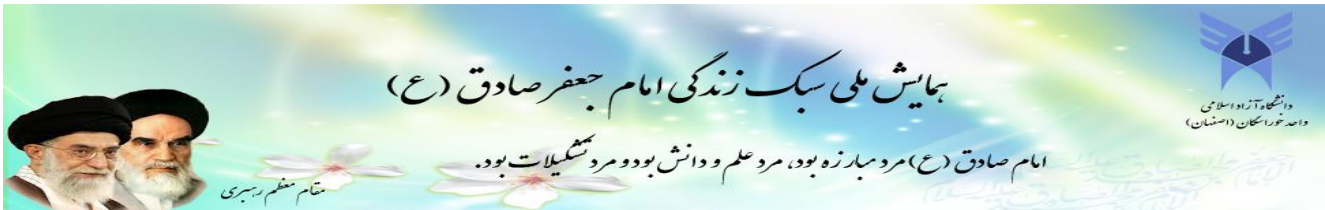
کنیم.... اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هماهنگ دیدن حوزه های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است.

یکی از چالش های اصلی حوزه آموزش عالی وجود نگرش مادی استاد و شاگرد به مقوله تدریس و آموزش است. برخی اوقات افراد تنها صرف گرفتن مدرک وارد چرخه آموزش عالی می شوند، این در حالی است که مکتب تربیتی امام صادق(ع) کسب علم را زمینه ساز زهد و تقوای الهی می داند؛ مولفه هایی که فضای آموزشی دانشگاه امروز از آن بی بهره است.

### ۳) خروجی دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق(ع)

رهبر معظم انقلاب بارها تاکید کرده اند که فرقی بین حوزه و دانشگاه نیست و دانشگاه خروجی اش مانند حوزه باید معنوی و مذهبی باشد. خروجی دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع) باید انسان های فاضل و شایسته باشد. افراد باید آزاد باشند تا با فرهنگ سازی غیر مستقیم خودشان صراط مستقیم را برگزینند و یکی از دلایل اینکه خداوند متعال غیبت را گناه کبیره اعلام کرده این است که نمی خواهد بنده اش به زور و به خاطر ترس از آبروریزی گناه را ترک کند بلکه می خواهد انسان خود به این نتیجه برسد که گناه نکند. امام صادق اهل عمل بودند و خروجی این دانشگاه مبارزه با همه جریانات فکری بود تا عقاید باطل را بکوبد و اندیشه های منحرف را اصلاح کند و عقاید ناب اسلامی را به تشنگان حقیقت هدیه نماید. در صدر اسلام خلافت را از امیرالمؤمنین(ع) غصب کردند، و از نظر فرهنگی نقل حدیث را منع کردند، و جمله «حسبنا کتاب الله» را گفتند و به این دلیل روایت و نقل روایت یک جرم شد. امام صادق(ع) در زمانی که منع حدیث شده بود فرصت پیدا کردند تا آتشفشانی از احادیث را وارد مکتب تشیع کردند.

شاهکار امام صادق(ع) مبارزه با ۷۰ هزار حدیث و روایت جعلی و تخریبی ایجاد شده در زمان معاویه علیه امام علی(ع) و ائمه اطهار بود. باید شخصیت امام جعفر صادق(ع) با علم و قدرت به مردم معرفی شود که معرف معصوم، علم معصوم است و علم ائمه اطهار(ع)، علم پروردگار متعال است و از طریق این علم وسیع و نافذ است که امام بر اسرار جهان آگاهی کامل دارد. برخلاف عقیده عده ای که ظهور شیعه در ایران را از طریق صفویه می دانند، باید گفت که علاقه و محبت ایرانیان به اهل بیت(ع) باعث شد تا شیعه در زمان امام جعفر صادق(ع) در ایران گسترش یابد. شیعه همواره این حصر و این تحریم ها را داشته است و ما باید بهای این تفکرمان را بدهیم، پس از این که دانشگاه امام صادق(ع) رونق گرفت دانشگاه ایشان را خراب کردند، اکنون هم وهابیت در مدینه و



عربستان به مبارزه با تفکر شیعه پرداخته است. شیعه همواره در غربت و سختی بوده است و در طول تاریخ رفاه نداشته است، امام صادق (ع) در بیانی فرمودند که از ما اهل بیت (ع) نیست مگر این که یا شهید یا مسموم می شود و امام صادق (ع) خود از این فرموده استثنا نبودند.

تاسیس بزرگترین دانشگاه اسلامی:

اولین دانشگاه اسلامی را امام محمد باقر (ع) در دورانی که بنی امیه و بنی عباس در جنگ بودند در مدینه تأسیس کردند. و امام جعفر صادق (ع) از فرصت استفاده کرد و آنرا گسترش داد و بزرگترین دانشگاه اسلامی شد. امام صادق هم دانشجو مرد و هم دانشجوی زن داشت و برنامه های دانشگاه اسلامی امام صادق (ع) عبارت بودند از:

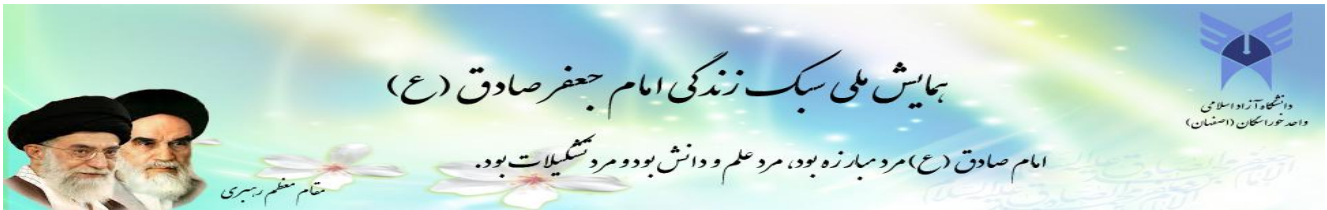
#### ۱- دعوت به ولایت پذیری

بزرگ ترین ظلمی که بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) نسبت به جهان اسلام و بشریت شد، این بود که امامت و ولایت را از مسیر حق منحرف کردند. کم کم کار به جایی رسید که از زمان معاویه آن را به سلطنت تبدیل نمودند و مردم را چون بردگان به خدمت می گرفتند.

آنان می خواستند که دیگر از امامت و جانشینی خاتم پیامبران و رهبری حقیقی و دینی اثری نماند. وقتی نوبت به امامت امام صادق (ع) رسید در مناسبت های گوناگون با بیانات شیوای خود، اهمیت این مسأله را بیان فرمود. «عیسی بن سری» می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم پایه هایی که دین اسلام بر آن بنا شده است، به من بفرما. آن حضرت فرمود: «گواهی به یگانگی خداوند و این که محمد (ص) رسول و فرستاده اوست: اقرار نمودن به آن چه از جانب خداوند آورده (قرآن) و ولایتی که خداوند به آن امر فرموده و آن ولایت آل محمد است.»

یکی از انتظارات واقعی امام صادق (ع) از شیعیان واقعی این است که نسبت به امامان خویش معرفت و شناخت داشته باشند و با دل و جان ولایت آن ها را بپذیرند نه این که فقط مدعی ولایت مداری باشند، آن حضرت با تبیین علایم و نشانه ها، ولایت پذیران اصلی را از غیر اصلی جدا نموده به طوری که می فرماید: «شیعیان سه دسته هستند: گروهی به وسیله ما زینت می یابند و ما را وسیله عزت و آبروی خویش قرار می دهند، گروهی ما را وسیله درآمد زندگی دنیایی خویش قرار داده و از این طریق زندگی می کنند و گروهی از ما و به سوی ما هستند با امنیت ما آرامش می یابند و با ترس ما ترسان هستند، در برابر جفاکاران خودنمایی ندارند، اگر پنهان باشند کسی سراغ آن ها را نمی گیرد و اگر آشکار باشند به آن ها اعتنا نمی شوند. گروه سوم به حقیقت شیعیان واقعی و راهنمایان مردم هستند.»

امام صادق (ع) علاوه بر سفارش های مکرر به ولایت پذیری و امام شناسی در مکتب تربیتی خویش، شیعیان ولایی تربیت نمود و آنان را ولایت مدار بار می آورد. در این زمینه داستان «عبدالله بن یعفور» یکی از شیعیان با



اخلاص و فداکار که در پذیرش ولایت ائمه اطهار (ع) اسوه ای کامل و نمونه ای بارز برای تمامی شیعیان می باشد، قابل تأمل و دقت است او با همه عظمت علمی و موقعیت اجتماعی در برابر فرمان امام خویش تسلیم محض بود.

## ۲- استناد به قرآن

جایگاه و نقش ائمه اطهار (ع) در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی به ویژه تفسیر قرآن کریم، نقش کلیدی و اساسی در تبیین حقایق قرآنی است. با اندکی تأمل در زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع) روشن می شود که قرآن در سیره و سخن آن امام بزرگوار جایگاه ویژه ای داشته و زندگی روزمره خود را با آیات قرآن آن چنان آمیخته بود که در تمام ابعاد پرتو افشانی می کرد.

آن حضرت با حالت ملکوتی خاصی آیات قرآن را در نماز تلاوت می کرد، به طوری که از حالت عادی خارج می شد. روزی یکی از حاضران از او پرسید: این چه حالی بود که به شما دست داد؟ فرمود: «پیوسته آیات قرآن را تکرار کردم تا این که به حالتی رسیدم که گویی آن آیات را به طور مستقیم از زبان نازل کننده اش می شنیدم.»

## ۳- امر به معروف و نهی از منکر

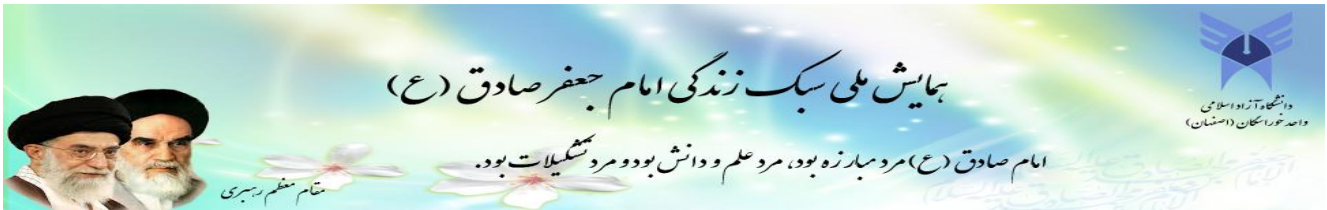
«مسعدة بن صدقه» می گوید: شنیدم که از امام صادق (ع) پرسیده شد: آیا امر به معروف و نهی منکر بر تمام مردم واجب است؟ حضرت فرمود: خیر! به حضرت عرض شد چرا؟ فرمود: بر کسی واجب است که توانمند، دارای جایگاه علمی و عالم به معروف و منکر باشد و بر انسان ناتوان واجب نیست، دلیل آن قرآن کریم است که می فرماید: «و لکن منکم امةٌ یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛ باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.»

تعبیر (منکم) عده ای خاص را بیان می کند، نه عموم مردم را چنان که در این آیه شریفه آمده است: «و من قوم موسی امةٌ یریدون بالحق و به یعدلون؛ و برخی از قوم موسی به راه حق هدایت می کنند و به آن باز می گردند.» یعنی عده ای از قوم موسی به حق هدایت می کنند نه همه. در این جا امام صادق (ع) به حرف «من» در (منکم) و (من قوم موسی) استدلال کرد که امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد واجب نیست، بلکه بر کسانی که توانایی و آگاهی نسبت به معروف و منکر داشته باشند، واجب است.

## ۴- شکوفایی علم فقه

امام صادق (ع) در پرورش و شکوفایی علم فقه تلاش فراوان می کرد، بنابراین عظمت علمی آن امام بزرگوار در این علم در اوج قرار دارد و شاگردان بی شماری را در زمینه فقه و نشر آن تربیت نموده است.





در علم فقه بهترین نظریات را ارائه نموده که هم اکنون روایات فقهی او در کتب اربعه (تهذیب و استبصار شیخ طوسی، کافی کلینی و من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، گردآوری شده است و شاگردانی همچون «جمیل بن دراج»، «عبدالله بن مسکان»، «حماد بن عثمان» و... در فقه تحویل جامعه اسلامی داده است.

آن حضرت برای حل مشکلات جامعه در عصر غیبت می اندیشید و برای مردم مسلمان که از امام خود دور هستند و دسترسی به حجت خدا ندارند، تقلید و پیروی از مجتهدان و فقهای جامع الشرایط را سفارش می کرد. امام صادق (ع) در مورد شرایط یک فقیه کامل و جایگاه او می فرمود: «هر کس از میان شما حدیث ما را روایت و در حلال و حرام ما دقت کند و احکام ما را بشناسد، پس باید او را به عنوان حاکم شرع و مجتهد پذیرفت و هرگاه طبق نظر ما حکم کند و کسی آن را نپذیرد بدرستی (رد کننده) حکم خدا را سبک شمرده و فرمان ما را رد کرده است و هر کس فرمان ما را رد کند فرمان خدا را رد کرده است.»

۵- نشر علم حدیث

آثار به جای مانده در زمینه حدیث از امام صادق (ع) بیش تر از سایر معصومین (ع) است. هیچ کتاب فقهی، حدیثی و تفسیری شیعه نمی تواند از کلام امام صادق (ع) خالی باشد. امام صادق (ع) در حوزه علم حدیث و آیات الاحکام بیش ترین فرصت را یافت و توسط چهار هزار نفر از شاگردان خود، تفکرات شیعی را در دورترین نقاط جهان منتشر نمود.

هر یک از شاگردان آن حضرت نیز خدمات بزرگ فرهنگی و علمی را در مناطق مختلف عهده دار شد و حتی رهبران برجسته اهل سنت در عرصه حدیث از محضر آن گرامی بهره مند شده اند: به طوری که ابوحنیفه بارها می گفت: «اگر آن دو سال که نزد امام صادق (ع) درس خواندم نبود، من هلاک می شدم.»

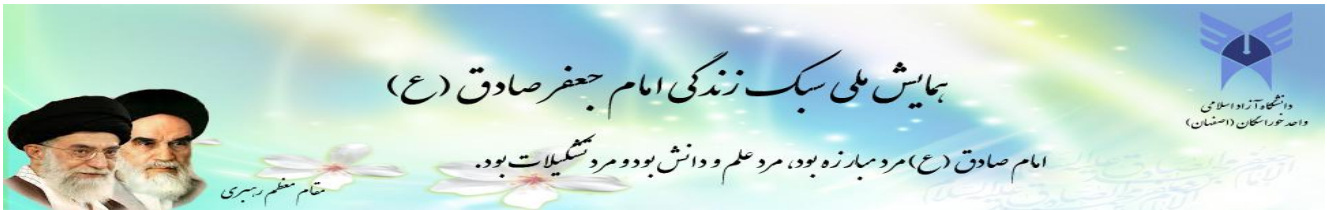
۶- کشف علم شیمی

یکی از علومی که از محضر پیشوای ششم نشأت گرفته و بعداً در سایر مناطق رشد و توسعه یافت، «علم شیمی» است.

از آن جایی که امام صادق (ع) هر دانشی را به اهل آن می آموخت و شایستگی و استعداد افراد را معیار تعلیم علوم قرار می داد، علم شیمی را به شاگرد شایسته و ممتاز خود، «جابر بن حیان کوفی» آموخت.

او در این علم مهارت یافت و به پدر شیمی موسوم گردید. جابر بن حیان چنان در این عرصه درخشید و تعالیم صادق آل محمد (ع) را به دنیا عرضه کرد که پیشرفت علوم و تکنولوژی جهان غرب امروزه مدیون اندیشه های اوست.

امروزه تألیفات جابر بن حیان در کتابخانه های مهم دنیا نگهداری می شود. نسخه ای از کتاب «الخواص الکبیر» در موزه انگلستان و نسخه ای از کتاب «الاحجار» در کتابخانه ملی پاریس موجود است.



معروف ترین کتاب وی، «مجموعه کامل اسرار طبیعت» است که بار اول در سال ۱۴۹۰ میلادی به چاپ رسید و در سال ۱۶۶۸ میلادی به انگلیسی و در سال ۱۶۷۲ به فرانسه ترجمه شد او همه این مهارت ها و فنون را از محضر حضرت صادق (ع) به دست آورد.

#### ۷- نشر آثار جاویدان

شاگردان حوزه شیعی آن حضرت آثار گران بهایی را از خود آن بزرگوار نقل نموده اند و یا خود تألیف کرده اند. برخی از کتاب های منسوب به حضرت امام صادق (ع) به شرح زیر است:

- ۱- کتاب «التوحید» که آن حضرت املا کرد و مفضل بن عمر آن را تحریر نمود.
  - ۲- «رسالة فی وجوه معایش العباد» که در زمینه انواع شغل ها، تجارت و صنعت می باشد.
  - ۳- «رسالة فی الغنائم» که پاسخ های آن حضرت پیرامون خمس و غنایم است.
  - ۴- «الجعفریات» که مجموعه روایاتی است به ترتیب ابواب فقه که امام کاظم (ع) آن را نقل نموده است.
  - ۵- «نثر الدرر» صحیفه ای است در کلمات قصار آن حضرت (ع) که گویا به صورت مجموعه ای واحد بوده و «ابن شعبه حرّانی» آن را در کتاب «تحف العقول» یک جا آورده است.
  - ۶- «رسالة الامام الی اصحابه» که راهنمایی برای سلوک یارانش می باشد.
  - ۷- «الرسالة الاهوازیه» که در پاسخ والی اهواز نوشته شده است.
  - ۸- «کتاب الحج» که «ابان بن عبدالمک» آن را نقل کرده است.
- به جز این ها نوشته های دیگری نیز به آن حضرت منسوب است.
- ۸- تشویق به تفکر

پیشرفتهای جوامع و افراد بر اثر بهره وری از توان عقل و تفکر و قدرت عمل و تلاش است. پیامبران، امامان و بندگان صالح خدا همگی اهل فکر و تعقل بوده اند. در منزلت ابودر غفاری امام صادق (ع) فرمود: «کان اکثر عباده ابی ذرّ التفکر و الاعتبار؛ بیش ترین عبادت ابودر، اندیشه و عبرت اندوزی بود.»

امام صادق (ع) در سیره رفتاری و عملی خود برای اندیشه و تفکر ارزش والایی قایل هست و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش تعقل و تفکر در مسائل دینی بیان فرموده است.

آن حضرت می فرماید: «لا خیر فی من لایتفقّه من اصحابنا. انّ الرّجل منهم اذا لم یستغن بفقهه احتاج الیهم فاذا احتاج الیهم ادخلوه فی باب ضلالتهم و هو لایعلم؛ از دوستان ما کسی که در دین خود اندیشه و تفقه نکند، ارزش ندارد. اگر یکی از دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسایل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می شود، هر گاه به آن ها نیاز پیدا کرد، آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می دهند در حالی که خودش نمی داند.»



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

ضرورت یادگیری احکام دینی در منظر پیشوای ششم آن قدر مهم است که می فرماید: «اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد نمایم که در دین تفقه نمی کند، او را تأدیب خواهم کرد.»

### ۹- بهره گیری از افراد توانا

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت با ارزیابی قابلیت ها و توانمندی های شاگردان خود، برخی از آن ها را برای پاسخ به سؤالات و گفتگوهای علمی پرورش داده بود. به عنوان مثال در مباحث کلام و مباحث اعتقادی به ویژه مسائل امامت، افراد ممتاز و برگزیده ای همچون «هشام بن سالم»، «هشام بن حکم»، «حمران بن اعین» و... را تربیت کرده و به موقع از آن ها استفاده می کرد.

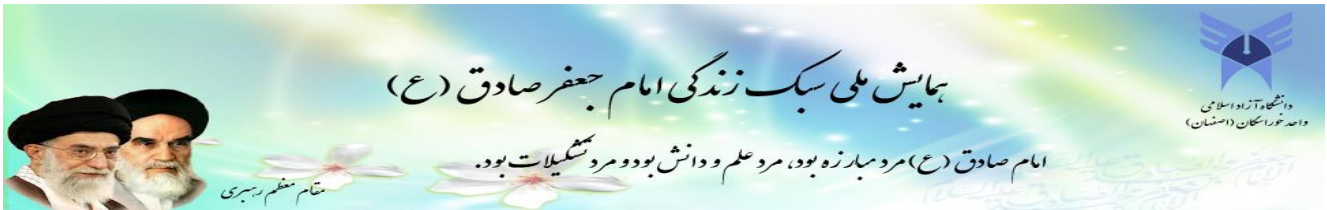
«یونس بن یعقوب» می گوید: نزد امام صادق (ع) بودم که مردی از سرزمین شام به دیدن آن حضرت آمد و اظهار داشت که من مردی هستم صاحب فقه و کلام، اکنون آمده ام تا با یارانت بحث و گفتگو کنم: حضرت فرمود: این علم کلامی که تو درباره آن صحبت می کنی از کلام رسول خداست یا ساخته ذهن خودت است؟ مرد گفت: بخشی از آن کلام پیامبر (ص) است و بخشی از آن کلام خودم. امام فرمود: پس تو شریک رسول خدا هستی؟ گفت: نه، حضرت فرمود: پس به تو وحی رسیده است؟ گفت: نه، اینجا بود که امام صادق (ع) به من روی کرد و فرمود: ای یونس! این مردی است که پیش از آن که سخن بگوید، خود را محکوم کرده است. سپس فرمود: ای یونس! اگر کلام می دانستی با او مناظره می کردی! اکنون بیرون رو و ببین چه کسانی از صاحبان کلام را پیدا می کنی، آن ها را نزد من بیاور. یونس می گوید: بیرون رفتم و تعدادی از متکلمین همچون: حمران بن اعین، هشام بن سالم، قیس بن ماصر و... را دیدم. آن ها را به حضور امام بردم و آن حضرت دستور داد تا با مرد شامی مناظره کنند. آن ها هر کدام با مرد شامی بحث و گفتگو کردند و بر او در زمینه ی علم کلام غالب گشتند.

### ۱۰- دعوت به پیروی از اخلاق حسنه

نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. به همین جهت پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اگر انسان بداند چه چیزی برای او در اخلاق نیک وجود دارد، حتماً متوجه می شود که او به داشتن اخلاق نیکو نیازمند است.»

حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کسی به عمق و ژرفای آن نمی رسد و به هرکس عنایت نمی شود، چنان که امام صادق (ع) فرمود: «ولا یكون حَسَنُ الْخُلُقِ اِلَّا فِي كَلِّ وِليٍّ و صَفِيٍّ و لا یعلم ما فی حقیقه حَسَنِ الْخُلُقِ اِلَّا اللهُ تعالی؛ و حسن خلق یافت نمی شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آن چه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی داند.»

رئیس مکتب جعفری نه تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده، بلکه در سیره خود برای ثمر بخش بودن آن در جامعه به بیان موارد و مصداق های عینی آن نیز پرداخته است تا مسأله مذکور ملموس تر و



محسوس تر شود. از آن حضرت در مورد مکارم اخلاق سؤال شد، فرمود: «العفو عمن ظلمک وصله من قطعک و اعطاء من حرمک و قول الحق و لو علی نفسک؛ گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته و گفتن سخن حق هر چند به ضرر تو باشد.»

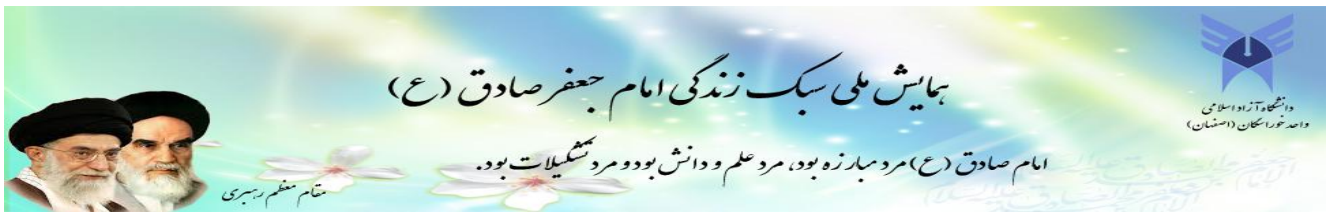
آن حضرت در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می فرماید: «حَسَنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ خوی نیک باعث افزایش روزی می شود.»

در روایتی دیگر شیعیان را به خوش رفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می داند و می فرماید: «من حَسُنْ بِرَّهُ فِي اهل بَيْتِهِ زَيْدٌ فِي عَمْرِهِ؛ هر کس با خانواده خود، خوش رفتاری کند، عمرش طولانی می شود.»

هم چنین رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگی های مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده و بر اجتناب از بدخلقی تأکید نموده است.

### نقش استادان در دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع)

آنچه که بیشتر مورد مطلوب ما در این مقاله می باشد همین بحث است. شاخصه های دانشگاه در سه حوزه مختلف و مرتبط قابل تعریف و تحلیل است. این سه حوزه، شامل نیروی انسانی، نظام اداری و آموزشی و محتوای آموزشی دانشگاه هاست. در این میان حوزه نیروی انسانی نقش مهمتری دارد. حوزه نیروی انسانی، خود به سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان دانشگاه تقسیم می شود. در این میان نقش استادان پر رنگ تر و موثرتر است. تنها ارتباط استاد با دانشجویان تدریس است، پس هر آنچه استاد بخواهد از این طریق انجام می شود، یعنی تعلیم و تربیت با تدریس انجام می شود. تدریس هنرمندی و نقش آفرینی است، که استاد می تواند در آن با اخلاق حرفه ای، افزایش روابط اجتماعی و مشارکت پذیری، باعث تربیت متخصصانی شود که ضمن اینکه تسلط کافی در تخصص داشته باشند تربیت هم داشته باشند چرا که انسان خلیفه الله است.



پس ارائه درسهای جامع از مذهب جعفری برای استادان میتواند ما را در رسیدن به دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع) یاری کند.

### الف) اخلاص

به معنی پاک کردن درون از ملاحظه غیر خدا در عبادت است. در دانشگاه امام صادق (ع) تعلیم و تعلم با نیت غیر الهی مذموم دانسته شده و عاقبت آن آتش دوزخ برشمرده شده است. تأکید بر اخلاص از آن جهت است که علم آموزی به شرط داشتن اخلاص از افضل عبادات است. در حدیثی امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا». هر کس بایی از دانش را برای خدا فرا گیرد و برای او به آن عمل کند و آن را به جهت کسب رضای الهی به دیگران نیز بیاموزاند، در ملکوت آسمانها به عنوان شخصی بزرگ خوانده می شود.

### ب) تواضع:

معاویه بن وهب از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمودند: تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم؛ نسبت به کسی که به او علم می آموزید و نسبت به کسی که از او علم می آموزید، تواضع کنید.

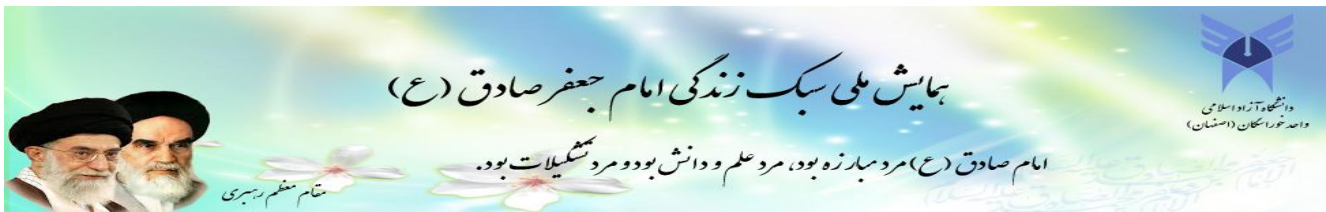
### ج) حلم و بردباری:

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: اطلبوا العلم و تزينوا معه بالحلم و الوقار؛ در پی کسب علم باشید و آن را با بردباری و وقار زینت دهید.

### د) سکوت:

از نشانه های دانشمند سکوت است بدین معنی که هر سخنی به زبان نمی آورد و به موقع و به اندازه سخن میگوید از امام صادق روایت شده است: با سکوت، (یعنی با عمل) مردم را به سوی ما دعوت کنید.





(و) عدم بخل در انتقال علم:

امام صادق (ع) فرمودند: در کتاب علی (ع) دیدم که خداوند پیش از اینکه از جاهلان عهد بگیرد که علم بیاموزند، از عالمان پیمان گرفت که علم را به جاهلان بذل کنند.

ه). خود ارزیابی

در دانشگاه اسلامی از منظر امام صادق (ع) به این آیه از قرآن توجه خاص میشود که خداوند می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا دارید و هر کس باید بنگرد که برای فردای خود چه از پیش فرستاده است و از خدا بترسید، در حقیقت خدا به آنچه می کنید آگاه است. (حشر ۱۸)

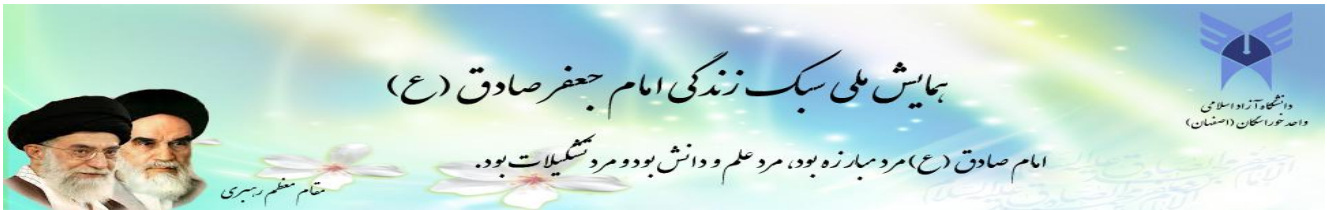
آری در این دانشگاه باید هر روز باید محاسبه کنیم که اگر کار نیک انجام شده بر شکر خود افزوده و اگر گناهی مرتکب استغفار کنیم.

ی) نگاه عادلانه به جویندگان دانش:

امام صادق در تفسیر آیه ی : ولا تصعر خدک للناس؛ نگاه یکسان به علاقه مندان به فراگیری را به عنوان یکی از اصول تعلیم و تربیت برشمرده و فرمودند: همه ی مردم در دانش آموختن ، باید نزد تو یکسان باشند.

البته خوش خلقی و ملایمت استاد نیز از شاخصه های اخلاقی این دانشگاه اسلامی است تا آنجا که پیامبر خودشان را معلمی آسان گیر معرفی فرمودند: خداوند مرا نفرستاد تا بر خود و دیگران سخت گیری کنم؛ بلکه مرا به عنوان معلمی آسان گیر مبعوث کرد.

از نظر امام صادق (ع) در دانشگاه اسلامی، یک استاد خوب باید ویژگیهایی داشته باشد که مهمترین آنها عبارتند از: شاگرد پروری، احترام به دانشجو، مربی بودن و نقش موثر در تربیت اخلاقی دانشجو داشتن، شاخص بودن از نظر علمی، شاخص بودن از نظر اخلاقی و ....



برخوردهای آن حضرت با گروه های دگر اندیش سازنده و آموزنده بود. هنگامی که مفضل علیه زندقی، عتاب آمیز صحبت کرد، آن زندقی نتوانست تعجب خود را پنهان کند و گفت گمان نمی برم شما از حلقه شاگردان جعفر صادق باشید چه این که ایشان رفتاری بس ملایم تر و خوشایندتر از این جوش و خروش شما دارد.

آن حضرت که با مخالفان این نوع برخورد کریمانه را دارد، به یقین با اصحاب و شاگردان خاص خویش، رفتاری والاتر از این خواهد داشت. او سال ها بر کرسی درس و منبر پیامبر صلی الله علیه وآله قرار گرفت و هزاران شاگرد را در مکتب خود تربیت کرد.

سلوک علمی این استاد بزرگ، طی این سی و چند سال، برخورد شایسته یک استاد را با شاگردان خود به زیباترین وجه ترسیم می کند و ما در این مجال کوتاه به چند عنوان مختصر اشاره میکنیم:

#### الف: تشویق و تکریم شاگردان

تاریخ پر بار زندگی امام صادق علیه السلام نشان می دهد که آن حضرت، چه در حضور و چه در غیاب یاران و شاگردان شایسته خود، نسبت به آنان، تعبیرات زیبایی دارد که نشانگر تشویق آن ها و احترام به آنان است. بعنوان مثال ابان بن تغلب می گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: به اتفاق پدرم خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. همین که نگاه امام به پدرم افتاد، دستور داد بالش برای پدرم نهادند و با پدرم مصافحه و معانقه کرد و به او خوشامد گفت و یا هشام بن محمد السائب الکلبی که امام علیه السلام نسبت به او بسیار عنایت داشت به گونه ای که هر گاه بر حضرت وارد می شد، امام صادق علیه السلام او را نزد خود می نشاند و با او با گشاده رویی و نشاط سخن می گفت.

#### ب: انس با شاگردان

منظور از انس با شاگردان، مراوده، دید و بازدید و شرکت در مجالس آن ها است. به این معنی که آن حضرت دیدار با ایشان را دوست می داشته و دوری آنان باعث دلتنگی حضرت می شد. غبسه می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: من از دست مردم مدینه و تنهایی خودم به خدا شکایت می کنم تا این که شما بر ما وارد شوید و از ورود شما شادمان می شوم و خطاب به ابو حمزه می گفت: ای ابو حمزه از دیدار شما آرام می شوم. و یا زمانی که عقبه بن خالد، معلی بن خنیس و عثمان بن عمران بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدند، حضرت فرمود: خوش آمدید، خوش آمدید؛ ای کسانی که ما را دوست دارند و ما آن ها را دوست داریم. و سپس فرمود: جَعَلَكُم اللّٰهُ مَعَنَا فِي الدُّنْيَا وَاٰخِرَةِ.

#### ج: میدان دادن برای سخن گفتن



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

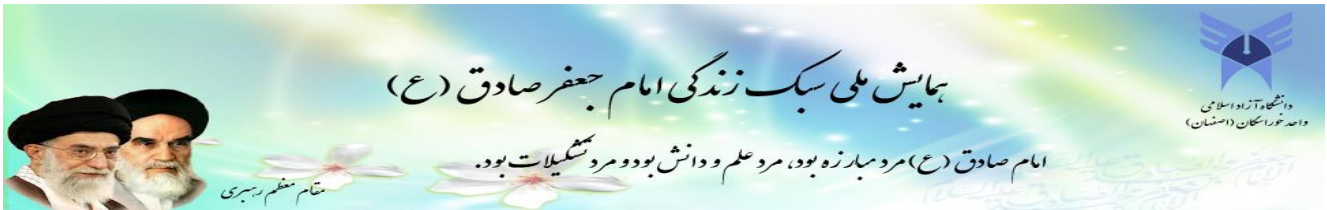
گاهی اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام در محضر شریف آن امام همام، لب به سخن نمی گشودند؛ نخست به این دلیل که هیبت معنوی امام جرأت سخن گفتن در محضر ایشان را از حاضرین سلب می کرد، دیگر این که سخن گفتن در محضر ایشان را نوعی خلاف نزاکت به حساب می آوردند. در چنین اوضاع و احوالی حضرت خودش دستور به مناظره می دادند و راضی نمی شدند که هیبت ایشان و ادب دوستان، از کسی سلب جرأت نماید. لذا در محفلی که مناظره و گفتگو بود، دیدند حمران بن اعین ساکت است. حضرت سؤال کردند که چرا سخن نمی گویی؟ حمران گفت: سرور من، سوگند یاده کرده ام که در مجلسی که شما حضور دارید به خود اجازه سخن گفتن ندهم. حضرت فرمودند: من به تو اجازه دادم، حال سخن بگو.

د: تقدیر از تلاش های علمی

همه شاگردان آن حضرت در راه حفظ آثار اهل بیت علیهم السلام اهتمام می ورزیدند، اما برخی از آن ها نقش بیشتری داشتند و درست به همین دلیل، امام بر خود لازم دیده است که از تلاش های برجسته و صادقانه آن ها قدردانی نماید. ایشان در حق زرارۀ و محمد بن مسلم و برید بن معاویۀ و لیث بختری فرمود: اینان از نجبا هستند و از امنای الهی به شمار می آیند، حلال و حرام خدا را می دانند و اگر اینان نبود آثار نبوت تباه می شد. جلوه دیگر تقدیر از تلاش های علمی؛ ارجاع مردم به شاگردان خود است که در سیره عملی امام صادق بارها دیده شده است؛ مثلاً مردی از شام برای بحث و گفتگو نزد حضرت آمده بود، ایشان آن شخص را به حمران ارجاع داد، آن شخص گفت، من برای مناظره با شخص شما آمده ام نه حمران، حضرت فرمود، اگر بر ایشان ظفر یافتی، گویا بر من غالب شده ای. بعد از ختم مناظره، حضرت از مرد شامی سؤال کرد که حمران را چگونه یافتی؟ گفت: بسیار حاذق و ماهر بود. هر آن چه که پرسیدم، به خوبی جواب گفت.

ه: راهنمایی و تذکر

انسان غیر معصوم هر چه دانش داشته باشد و تلاش های علمی صادقانه صورت داده باشد باز هم بی نیاز از منبع فیض نیست که هر از گاهی رو به سوی او آورد و نقاط قوت خود را از زبان او بشنود و بر ضعف های خود وقوف یابد تا در صدد رفع آن ها برآید. امام صادق علیه السلام با هدف توانمندساختن شاگردان، نقاط ضعف و قوت آنان را گوشزد می کرد. به حمران می گفت: در بحث، سخنی را دنبال می کنی و به نتیجه می رسانی. به هشام بن سالم فرمود: می خواهی بحث را دنبال کنی و به نتیجه برسانی اما توانایی نداری. به احوال فرمود: در بحث و مناظره قیاس بسیار می آوری و باطل را به باطل جواب می دهی. به قیس فرمود: در گفتگو به حق نزدیک می شوی اما از اخبار و احادیث نبوی فاصله می گیری و حق را به باطل می آمیزی، اما بدان که سخن حق هر چند کم باشد تو را از باطل، بسیار بی نیاز خواهد کرد. به هشام بن حکم فرمود: تو در بحث پیش می روی همین که



می خواهی به زمین بخوری دوباره پرواز می کنی و کسی همانند تو باید با مردم سخن بگوید. از لغزش بپرهیز که امداد و شفاعت یاریگر تو خواهد بود.

و: ابراز خشم از اسائه ادب به شاگردان

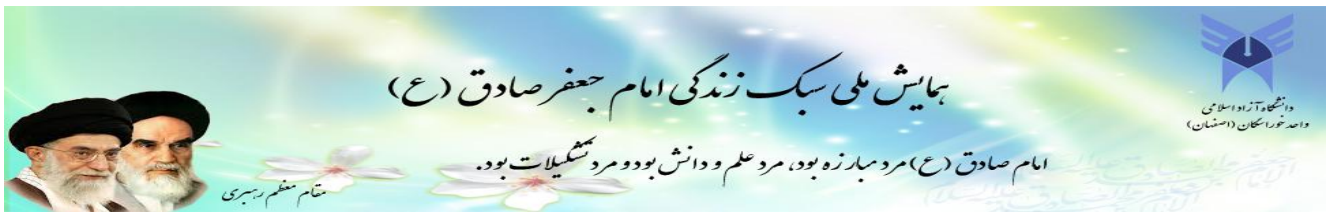
کسانی از کوفه به محضر شریف حضرت رسیدند و از کسانی چون برید و زراره و محمد بن مسلم عیب جویی کردند، حضرت به آن ها فرمود: ای گروه عیب جو و هرکس که همفکر شماست! خدا روح شما را پاک نگرداند. شما از کسانی عیب می گوئید که امین خدا بر حلال و حرام دین شما هستند. آنان ستارگان شیعیانم هستند، چه زنده باشند چه مرده. اینان یاد پدرم را زنده کرده اند. راوی می گوید: سپس حضرت از شدت ناراحتی گریه کردند و آن گاه اضافه کردند: آنان کسانی هستند که مشمول صلوات و رحمت خداوند می باشند، چه زنده باشند و چه مرده.

ز: تأثر از فوت یاران

زمانی که خبر رحلت ابان بن تغلب به حضرت رسید، بر او رحمت فرستاد و سوگند یاد کرد که مرگ ابان دل مرا به درد آورده است. و یا عبدالملک بن اعین شیبانی کوفی، که یکی از یاران باوفا و از شاگردان امام صادق علیه السلام بود. ایشان در مدینه از دنیا رفت، حضرت در حق ایشان دعا کرد: خدایا! او را در روز قیامت جزو ثقل محمد صلی الله علیه وآله قرار ده، چه این که او در نزد ما از بهترین بندگان بود. سپس با جمعی دیگر به زیارت قبر او رفت و در کنار تربتش بر او رحمت فرستاد

**نتیجه سخن:**

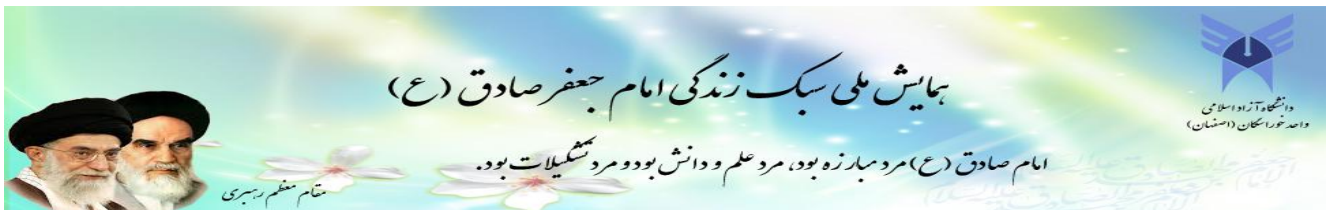
اساتید دانشگاه می توانند به عنوان یک الگویی که چهره‌ای مقبول بین دانشجویان دارند معرفی شوند. معمولاً دانشجویان در محیط دانشگاه بیشتر از دو قشر تأثیر می پذیرند: دوستان و اساتید. این تأثیر پذیری نه فقط در امور مذهبی بلکه در امور سیاسی و یا اجتماعی هم، چنین می باشد. دانشجویان اساتید خود را به عنوان فردی که گرم و سرد روزگار را چشیده است و مطالعات زیادی داشته و تجربیات زیادی در عمر خود کسب کرده، می شناسند و در پیش خود اعمال و رفتارشان را تقریباً منطقی و علمی می دانند، که احتمال اشتباه در آن خیلی کم



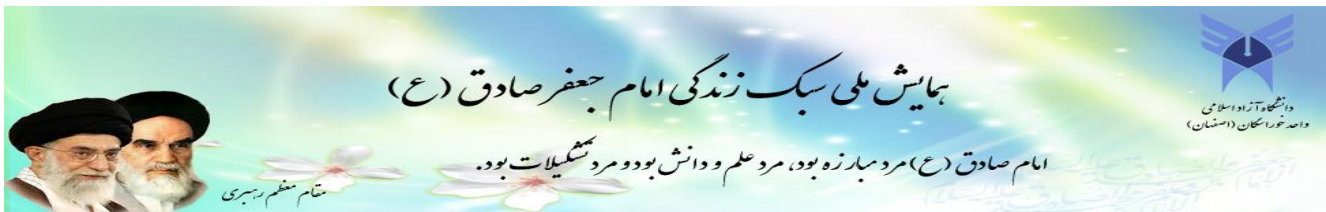
وجود دارد، حتی نگاه استاد به دانشجو مهم است، زیرا دانشجو انتظار دارد که استاد دست آنها را بگیرد، نه اینکه آنها را مسخره کند. بنابراین اخلاق و رفتار بسیاری از اساتید که بیشتر هم در بین دانشجویان سرشناس تر هستند خیلی می‌تواند در باشکوه تر شدن مسائل فرهنگی دانشگاه کمک کند.. دانشگاه اسلامی رسالت بزرگ تربیتی بر عهده دارد. با توجه به اینکه دانشجویان یادگیری پنهان نیز دارند از همه جهات، از اخلاق پسندیده و اسلامی، از نحوه پوشش، نحوه لباس و موارد دیگر که حتی استاد برای آن ممکن است طرحی نداشته باشد، دانشجویان از استاد خود الگو برداری می‌کنند. البته حضور امام جماعت دانشگاه در تدریس نقش پر رنگی در این آمار داشته است، و از آنجا که استادان گروه معارف تأثیر بی نظیری در جذب دانشجویان به معارف اسلامی دارند می‌توان از استادان تحصیل کرده حوزه علمیه، که دارای اخلاق پسندیده و جوان پسند هستند استفاده کرد تا سبک زندگی اسلامی را در آنان نهادینه کرد.

امام صادق(ع) طی ۳۴ سال امامت بابرکتش شور و نشاط علمی و فرهنگی خاصی در جامعه اسلامی گسترش داد که در تاریخ زندگی بشر کم سابقه بوده است. وی در میدان مبارزه با همه جریانات فکری به مخالفت برخاست تا عقاید باطل را بکوبد و اندیشه های منحرف را اصلاح کند و عقاید ناب اسلامی را به تشنگان حقیقت هدیه نماید. ولی سرانجام این بزرگ مرد تاریخ انسانیت، مورد خشم دستگاه غاصب عباسی قرار گرفت، زیرا هرگز منصور را خوش نمی آمد که شاهد پیشرفت علمی و شهرت روزافزون امام باشد. او ترس آن را داشت که شاید روزی امام (ع) کرسی خلافت را از زیر پایش بیرون بکشد و حکومتش را واژگون سازد، بنابراین در پی ضربه زدن به وجود مبارک آن حضرت بود تا اینکه سرانجام با انگور زهر آگین امام را به شهادت رساند.





- ۱- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۷)، «سنجش دینداری جوانان». نمایه پژوهش. شماره‌های ۷ و ۹، تهران. پژوهش- های فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲- طبرسی، ابولفضل علی (۱۳۸۵)، مشکاه الانوار، نجف، مکتبه الحیدریه، چ دوم
- ۳- فضل الهی، سیف الله و محمد تقی حاج ابراهیمی (۱۳۸۹)، " راهکارهای عملی شدن دانشگاهها با رویکردی به دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی"، معرفت، سال نوزدهم، ش ۱۵۷
- ۴- ضیایی فرد یدا...، ۱۳۸۱ نگاهی به نهاد امور تربیتی، ماهنامه پرورشی تربیت، شماره ۷ و ۸ سال ۱۷ ص ۱۵
- ۵- نعیمی، جواد ۱۳۷۵، شوق پرواز، مشهد انتشارات گوهر سیاح ص ۶۴.
- ۶- نشریه حوزه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، سر دبیر عباس صالحی
- ۷- طوسی، ابو جعفر، استبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰
- ۸- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۱۶۷، ب ۳۵، قم، آل البیت (ع).
- ۹- الاصول المهدیه، مجتهد تبریزی، ص ۹۶، ح ۱۳.
- ۱۰- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۳۴۱، ح ۴۲۰۸، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۱- الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۶۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۴۰۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۵۷.
- ۱۳- الکافی، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹.
- ۱۴- التهذیب، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۱۷۷، ب ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.



۱۵- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۵؛ سرائر، ج ۳، ص ۵۷۵.

۱۶- الکافی، ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸، ج ۱۰.

۱۷- التوحید، شیخ صدوق، ص ۵۳۱، قم، جامعه مدرسین.

۱۸- هاشم زهی، نوروز و دیگران (۱۳۸۹)؛ "سنجش مقایسه ای نگرش مبدعان و دانشگاهیان به اسلامی

سازی دانشگاه در ایران" معرفت در دانشگاه اسلامی، سال چهاردهم، ش ۱ (بهار)